

The Study of a Special Feature (Warts/ Moles) on Some of the Parthian Coins

Katayoun Fekripour, Ph.D

Research Fellow, Research Center of Linguistics, Inscriptions & Texts,
RICHT

katayoun.fekripour@yahoo.com

Abstract: Coins are one of the important evidences in archeology; because they are intacter than the other archeological findings such as textile, wood and parchment. With study of the coins, we realize the important subjects of art, religion, social status, culture, languages and scripts; and they will probably be able to resolve some of ambiguities of history. Parthian coins have the great importance because they show the true picture of the Parthian rulers. In the study of coin designs, should be considered special features such as hat or crown, necklace, beard, hair and wart on the forehead. In this article, I survey the moles or warts on the face of rulers in some Parthian coins.

Keywords: Coins, Parthian, Moles, Warts

Seasonal Journal of
Studies of Cultural Heritage
Documents
ISSN: 2538-1644
Vol. 1, No.2, Spring 2017

نگاهی به یک مشخصه ویژه (زگیل / خال) روی بعضی از سکه‌های اشکانی

کتایون فکری پور

استادیار پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری
katayoun.fekripour@yahoo.com

پذیرش: ۹۶/۰۱/۱۷

دریافت: ۹۵/۱۱/۱۵

چکیده

سکه‌ها یکی از مهم‌ترین منابع دست اول پژوهش‌های تاریخی محسوب می‌شوند. زیرا در مقایسه با دیگر یافته‌های باستانی مانند پارچه و چوب و پوست و... سالم‌تر به دست ما رسیده‌اند. با مطالعه سکه‌ها به مطالب مهمی درباره هنر، مذهب، وضع اجتماعی، آداب، زبان، و خط پی می‌بریم و شاید بتوانیم به وسیله آن‌ها بعضی از ابهامات تاریخی را رفع کنیم. سکه‌های اشکانی به دلیل به نمایش گذاشتن تصویر واقعی فرمانروایان اشکانی از اهمیت بسزایی برخوردار هستند. در بررسی نقوش سکه‌ها باید چند مشخصه ویژه را مد نظر داشته باشیم، از جمله: کلاه یا تاج، گردن‌بند، تغییرات چهره، آرایش ریش و مو، و خال روی پیشانی شاه. آنچه که در این مقاله سعی شده بدان پرداخته شود، مطالعه مشخصه‌ای است که در منابع مختلف خال یا زگیل تعبیر شده است و اینکه این خال چیست؟ و کدام پادشاهان در سکه‌های خود از آن استفاده کرده‌اند؟

کلید واژه: سکه، اشکانیان، خال، زگیل.

مقدمه

نام پارت نخستین بار در متون سال‌نگاری آشوریان در حدود قرن هفتم پیش از میلاد آمده است. آن‌ها قومی جنگجو بودند که حملات فرمانروای آشور اسرحدون^۱ به ایالات شمالی ایران را دفع می‌کردند (ورستاندیک، ۱۳۸۶: ۱۴). در کتیبه‌های داریوش اول نام این قوم به صورت «parθava» آمده و جزء یکی از ایالات تحت فرمان هخامنشیان ذکر شده است (DB1.16) (Kent, 1953:117). آن‌ها پس از پایان یافتن حکومت هخامنشیان توسط اسکندر، چون از تسلط سلوکیان جانشینان اسکندر بر ایران ناراضی بودند تحت رهبری ارشک دست به شورش زده و در پی حملات مکرر توانستند دست سلوکی‌ها را از بسیاری از مناطق ایران کوتاه کنند و حکومتی را پایه‌گذاری کنند که مدت پنج قرن ادامه یافت. ارشک در سال ۲۴۷ ق م در نیسا تاجگذاری کرد که مبدأ تاریخ اشکانیان شد.

اطلاعات ما از تاریخ و اقوام اشکانی بسیار ناقص است. یکی از منابعی که ما را در شناختن این قوم یاری می‌کند، شواهد باستان‌شناسی از جمله سکه‌هاست. به کمک تصاویر و نوشته‌های سکه‌ها اطلاعاتی درباره اشکانیان به دست می‌آوریم (بروسیوس، ۱۳۸۵: ۱۱۴). در تصاویر سکه‌های اشکانی در مجموعه‌های گوناگون، یک مشخصه ویژه روی چهره بعضی از پادشاهان به چشم می‌خورد و آن زائده‌ای زگیل‌مانند یا خال روی پیشانی بعضی پادشاهان است. این مسئله نخستین بار توسط راث^۲ در موزه بریتانیا مطرح شد (Wroth, 1903: Lxxvi) و جرالدهارت^۳ نیز در مقاله‌ای کوتاه به طور اجمالی به ارتباط بیماری‌ای به نام «تریکو اپیتلیوما»^۴ و شاهان اشکانی پرداخت. این بیماری که هارت حدس می‌زد احتمالاً شاهان اشکانی به آن مبتلا بوده اند، یک تومور خوش‌خیم پوستی است که معمولاً بر روی پیشانی، اطراف بینی و جلوی گوش به وجود می‌آید. زائده‌ها ممکن است منفرد یا چندگانه باشد و قطر آن‌ها از چند تا چندین میلی‌متر متغیر است. در بیمارانی که دارای زائده چندگانه هستند، این بیماری به صورت الگوی وراثتی غالب دیده می‌شود و در صورتی که زائده منفرد باشد ممکن است منشأ غیر وراثتی داشته باشد^۵ (تصویر ۱ الف و ب).

در مورد اینکه این زائده پوستی نشانه بیماری است یا نشانه ویژه‌ای است که برای نشان دادن خون اشکانی و اصالت خانوادگی به کار می‌رفته است، تردید وجود دارد. سلوود آن را نشانه ویژه‌ای برای نشان دادن خون اشکانی می‌داند که در پادشاهان بعدی اهمیت داشته است (سلوود، ۱۳۸۳: ۳۹۳). حال این سؤال پیش می‌آید اگر نشانه اصیل بودن است چرا در پادشاهان اولیه یا تمامی پادشاهان اشکانی وجود نداشته است؟

هارت در مقاله خود به وجود طره مو بر پیشانی بعضی از شاهان اشاره می‌کند و آن را دلیلی بر پنهان کردن این زائده می‌داند (Hart, 1966: 548) (تصویر ۲). مسئله پوشاندن زائده با صحبت های سلوود تناقض دارد. زیرا اگر این زائده نشانه خون اشکانی است، پس چرا بعضی از شاهان بنا بر گفته هارت سعی در پوشاندن آن داشته اند؟

نگاهی به شاهان اشکانی و مشخصه ویژه سکه‌های شان

اولین پادشاهی که این زائده زگیل مانند یا خال در سکه‌های او به نمایش درآمد ارد دوم (۵۷-۳۷ ق م) بود. البته هارت در مقاله خود از مهرداد دوم به عنوان اولین نفری یاد می‌کند (تصویر ۳) که این زائده روی گونه او بر دو سکه متعلق به دوره او دیده شده است. با توجه به آن که تاکنون در مجموعه سکه‌های مختلف، سکه‌ای با این مشخصه پیدا نکرده ایم و نیز بعید به نظر می‌رسد که یک شاه فقط دو سکه ضرب کرده باشد که چنین ویژگی را نمایش دهد، تا زمانی که سکه‌های بیش‌تر از این نوع یافت نشده است، می‌توان نتیجه گرفت که چیزی که بر روی سکه مشاهده می‌شود، حاصل اشکال فنی در ضرب سکه یا تأثیر عوامل محیطی بر سکه است.

پس بنابر شواهد، ارد دوم اولین شاهی است که این مشخصه ویژه را در سکه‌هایش نمایش داده است. ارد پس از کشتن برادر خود مهرداد سوم به تخت نشست. در سال ۵۱ ق م پاکور فرزند ارد فرماندهی سپاهی را بر عهده گرفت و به سوریه حمله برد و آنجا را تصرف کرد. پاکور در سال ۳۸ ق م در جنگی در ناحیه سوریه کشته شد (کالج، ۱۳۸۰: ۳۹). تعداد کمی سکه از او بر جای مانده که بر روی سکه‌هایش خال مشاهده نمی‌شود.

ارد پس از مرگ پسرش پاکور که مورد علاقه وی بود، پسر دیگرش فرهاد چهارم را جانشین خود خواند و اندکی بعد به دست پسرش کشته شد (ولسکی، ۱۳۸۳: ۱۵۹). ارد در طول سال‌های سلطنتش سکه‌های زیادی ضرب کرد که هیچ نشانه مشخصی بر روی صورت او دیده نمی‌شد (تصویر ۴) ولی بر اثر گذشت زمان صورت پادشاه درشت و برجسته شد و ویژگی‌هایی هم بر روی سکه‌ها نمایان گشت که همان زگیل یا خال روی سکه‌های چهاردرهمی، درهمی، سکه‌های سیمین، و سکه‌های برنزی بود (سلوود، ۱۳۸۳: ۳۹۳) (تصویر ۵ الف و ب).

فرهاد چهارم (۳۸-۲ ق م) برای اینکه زودتر به تخت بنشیند پدر خویش را به قتل رساند و برادران و بسیاری از بزرگان و شاهزادگان را کشت (کالج، ۱۳۸۰، ۴۰؛ ولسکی، ۱۳۸۳: ۱۵۹). وی در نبرد با رومیان پیروز شد. یکی از شاهزادگان به نام تیرداد در سال ۳۱ ق م سر به شورش برداشت و دعوی تاج و تخت کرد. فرهاد به کمک سکاها تیرداد را به سوریه راند و با رومیان از

در آشتی درآمد و درفش‌های رومی را پس داد و بسیاری از اسیران رومی را آزاد کرد. او در سال ۲ ق م به دست ملکه موزا همسرش مسموم شد (کالج، ۱۳۸۰: ۴۱-۴۲).

روی اکثر سکه‌های فرهاد چهارم زائده زگیل‌مانند یا خال بر بالای ابرو دیده می‌شود (تصویر ۶ الف و ب). پرفسور سیمونت^۷ و بعضی از محققان عقیده دارند آن دسته از چهار درهمی‌هایی که فاقد خال هستند و آن‌ها را به فرهاد چهارم نسبت می‌دهند در اصل متعلق به تیرداد دوم هستند (سرفراز، ۱۳۸۹: ۳۵).

ملکه موزا پس از کشتن همسرش فرهاد چهارم پسرش فرهاد پنجم/ فرهادک (۲ ق م- ۴ م) را به تخت نشاند. ظاهراً او امور سلطنت را با همکاری مادرش انجام می‌داده است. او در پی شورش‌هایی که از طرف نجبای اشکانی بر سر مسئله عدم دخالت ایران در امور ارمنستان به نفع رومیان در گرفت، کشته شد (بیانی، ۱۳۷۴: ۸۶).

طرح سکه‌های اولیه فرهاد پنجم شبیه سکه‌های پدرش است با این تفاوت که تصویر فاقد زگیل بر روی پیشانی است. (تصویر ۷). در سکه‌هایی که پس از وصلت فرهادک با مادرش موزا ضرب شده، تصویر ملکه بر پشت سکه‌ها دیده می‌شود. در این تصاویر روی پیشانی فرهادک دوباره زائده زگیل‌مانند دیده می‌شود (تصویر ۸).

روی سکه‌های ارد سوم (۴-۸ م) و ونن اول (۸-۱۲ م) خالی مشاهده نمی‌شود. پس از شکست ونن اول فرزند فرهاد چهارم، اردوان دوم / سوم (۱۲-۳۸ م)^۸ که فرمانروای ماد آتروپاتن بود، در تیسفون تاجگذاری کرد (ولسکی، ۱۳۸۳: ۱۶۹؛ کالج، ۱۳۸۰: ۴۳) و در اواخر پادشاهی‌اش چهاردرهمی‌هایی ضرب کرد که تصویر تمام رخ وی را نشان می‌دهند. هارت در مقاله خود تصویری از وی را به نمایش می‌گذارد که خالی روی پیشانی دارد (تصویر ۹). از آنجایی که بر روی این نوع سکه‌ها، در مجموعه سکه‌های مختلف زائده دیده نمی‌شود (تصویر ۱۰)، شاید بتوان گفت اشکال از ضرب سکه بوده است.

پادشاه بعدی که این زائده روی سکه‌های وی دیده می‌شود، وردان اول (۳۹-۴۸ م) است. او و برادرش گودرز دوم (۳۸-۵۱ م) پسران اردوان، پس از کشمکش بر سر سلطنت در سال ۴۰ م شاهنشاهی را بین خود تقسیم کردند. ضرب سکه‌های وردان اول از سال ۴۲ م آغاز می‌شود (کالج، ۱۳۸۰: ۴۴). در تصویر سکه‌های او روی گیجگاه، نقش زگیل/خال به چشم می‌خورد (تصویر ۱۱). در سکه‌های برادر وی گودرز دوم، این زائده دیده نمی‌شود؛ تنها طراهی مو روی پیشانی قرار گرفته است (تصویر ۱۲).

پس از وردان اول دوباره بر سکه‌های چهار درهمی و درهم بلاش اول (۵۱-۸۰/۷۸ م)

زگیل / خال دیده می‌شود (تصویر ۱۳ الف و ب). بلاش را بعضی پسر ونن دوم (ورستاندیک، ۱۳۸۶: ۳۲۸؛ ولسکی، ۱۳۸۳: ۱۸۳؛ بیانی، ۱۳۷۴: ۱۰۳) و بعضی پسر اردوان دوم / سوم می‌دانند (سلوود، ۱۳۸۳: ۳۹۷). بلاش پس به قدرت رسیدن سلطنت ماد را به برادر خود پاکر و سلطنت ارمنستان را به برادر دیگرش تیرداد بخشید. در دوران پادشاهی‌اش با شورش پسرش وردان دوم مواجه شد که سکه‌های درهمی و چهاردرهمی برای خود ضرب کرد. او توانست شورش وردان را سرکوب و قدرت را به دست گیرد. در دوران پادشاهی وی بعضی از آیین‌های شرقی به فرهنگ پارسی راه یافت (کالج، ۱۳۸۰: ۴۵). علامت ♀ روی بعضی از سکه‌های وی نماد خانوادگی اشکانی است.

وردان دوم پسر بلاش همان‌طور که پیش از این اشاره شد، سکه‌هایی ضرب کرد. همان‌طور که در تصویر ۱۴ دیده می‌شود روی گیجگاه او زگیل/خال دیده می‌شود. بر سکه‌های پادشاهان بعدی یا چیزی مشاهده نمی‌شود یا طره مو بر پیشانی قرار گرفته است (تصویر ۱۵).

آخرین سکه‌ای که می‌توان زگیل/خال را روی آن مشاهده کرد، متعلق به بلاش پنجم^۹ (۱۹۱-۲۰۸ م) است. وی پس از درگذشت پدرش بلاش چهارم به تخت نشست. در دوره شهریار یاری او جنگ‌های پی در پی با سپاهیان رومی درگرفت. او تعداد اندکی چهاردرهمی با تصویر تمام رخ ضرب کرد که در بعضی از آن‌ها در ناحیه گیجگاه چیزی شبیه به زگیل/خال به چشم می‌خورد (تصویر ۱۶). البته راث (Wroth, 1903: 190) و گاردنر (Gardner, 1877: 51) وردان دوم را آخرین پادشاهی می‌دانند که زگیل/خال بر روی پیشانی‌اش دیده می‌شود. شاید همان مشکل سکه‌های مهرداد دوم برای سکه‌های این پادشاه نیز صدق کند و چیزی که به زگیل/خال تشبیه می‌کنیم در واقع ناشی از اشکال در ضرب سکه یا تأثیر عوامل محیطی بر سکه باشد.

علاوه بر سکه‌های اشکانی نقش خال بر روی بعضی از آثار بودایی نیز به چشم می‌خورد. از آنجایی که ایرانیان نقش مهمی در انتقال آیین بودا در شرق داشته‌اند، می‌توان گفت بودیسم از خاک ایران گذشته تا به ترکستان چین رسیده است (Emmerick, 1990: 494) پارتیان و سغدیان و ختنیان از نخستین مترجمان متن‌های بودایی به زبان چینی بودند که فرهنگ و هنر و سنت‌های ایرانی را نیز در شرق رواج داده‌اند (Ibid: 493).

آثار بودایی که تاکنون یافت شده‌اند بیش‌تر متعلق به قرن دوم و سوم میلادی هستند. در میان بعضی از تصاویر و مجسمه‌های به‌دست‌آمده از بودا (تصویر ۱۷) و بودی‌ستوها^{۱۰} (تصویر ۱۸ الف و ب) خالی بر روی پیشانی بر بالای دو چشم دیده می‌شود که به زگیل/خال روی سکه‌های اشکانی شباهت دارد. عده‌ای عقیده دارند که این خال در حقیقت چشم سوم یا چشم آگاهی

و شناخت و اشراق است که به واسطه آن آدمی به بعد ابدی و لایتناهی اشیاء آگاهی پیدا می‌کند. (شایگان، ۲۵۳۶، ج ۲، ۷۱۹). از آنجایی که ایرانیان و بوداییان روابط سیاسی و اجتماعی نزدیک داشته‌اند، شاید بتوان گفت این خال بر روی آثار بودایی اکتباسی از خال روی سکه‌های اشکانی است. زیرا قدمت سکه‌های اشکانی بسیار بیش‌تر از آثار بودایی به‌دست‌آمده است.

نتیجه

سکه‌ها از شواهد مهم باستان‌شناختی هستند که به علت مضامین نوشته‌شده و محتوای تصاویر دریاچه‌ای تازه برای مطالعه تاریخ اشکانیان به روی ما می‌گشایند. با مطالعه سکه‌های اشکانی کشف‌شده در نقاط مختلف ایران، بعضی ابهامات تاریخی رفع می‌شود و به بعضی شواهد جدید دست می‌یابیم. یکی از این شواهد وجود خال پوستی بر روی پیشانی تعدادی از شاهان اشکانی است که چند تعبیر برای آن وجود دارد: بعضی آن را یکی از علائم ممیزه برای نشان دادن خون اشکانی دانسته‌اند. هارت در مقاله‌ای آن را نشانه‌ای از یک بیماری موروثی در خاندان اشکانی می‌داند. بوداییان که شبیه این خال را در آثار خود به کار برده‌اند آن را چشم حکمت و معرفت می‌دانند. در مورد اینکه آیا اشکانیان از این خال برای نشان دادن حکمت و خرد استفاده می‌کرده‌اند یا برای نشان دادن علامت خاندان اشکانی و یا اینکه نشانه بیماری موروثی بوده است، به طور دقیق نمی‌توانیم اظهار نظر کنیم. به هر حال همه این موارد حدس‌هایی است برای نشانه یافت‌شده روی یک گروه از سکه‌های تاریخی.

تصاویر



ب

الف

تصویر ۱. نمونه‌هایی از زگیل / خال (مأخذ: www.ncbi.nlm.nih.gov/pmc/articles/PMC1936547/. 20/7/2013).



تصویر ۲. پاکر دوم (مأخذ: مجموعه سکه‌های همدان).



تصویر ۳. مهرداد دوم (مأخذ: www.ncbi.nlm.nih.gov/pmc/articles/PMC1936547/. 20/7/2013).



تصویر ۴. ارد دوم (مأخذ: www.parthia.com, 20/7/2013).



تصویر ۵. ارد دوم الف و ب (مأخذ: www.parthia.com, 20/7/2013).



تصویر ۶. فرهاد چهارم: الف و ب (مأخذ: www.parthia.com, 20/7/2013).



تصویر ۷. فرهاد پنجم (مأخذ: www.parthia.com, 20/7/2013).



تصویر ۸. فرهاد پنجم (مأخذ: www.parthia.com, 20/7/2013).



تصویر ۹. اردوان سوم (مأخذ: www.ncbi.nlm.nih.gov/pmc/articles/PMC1936547/, 20/7/2013).



تصویر ۱۰. تصویر تمام رخ اردوان دوم / سوم (مأخذ: www.coinproject.com/search_emperor.php, 19/8/2013).



تصویر ۱۱. وردان اول (مأخذ: www.grifterec.com/coins/parthia/, 20/7/2013).



تصویر ۱۲. گودرز دوم (مأخذ: www.parthia.com, 20/7/2013).



تصویر ۱۳ بلاش اول: الف (مأخذ: www.parthia.com, 20/7/2013)،
ب (مأخذ: www.grifterrec.com/coins/parthia/ 20/7/2013).



تصویر ۱۴. وردان دوم (مأخذ: www.parthia.com, 20/7/2013).



تصویر ۱۵. بالا: بلاش سوم و پایین: بلاش چهارم (مأخذ: www.parthia.com, 20/7/2013).



تصویر ۱۶. بلاش پنجم: بالا (مأخذ: www.ncbi.nlm.nih.gov/pmc/articles/PMC1936547/, 20/7/2013).
پایین (مأخذ: www.parthia.com, 20/7/2013).



تصویر ۱۷. بودای نشسته متعلق به قرن دوم میلادی در موزه برلین (مأخذ: هرمان، ۱۳۸۷: ۸۹)



تصویر ۱۸. مجسمه‌های بودا:

الف (مأخذ: 19/8/2013 collections.vam.ac.uk/item/O24838/head-of-a-bodhisattva-sculpture-unknown;

ب (مأخذ: Grünwedel, 1920, 142).

پی‌نوشت‌ها

1. Assarhaddon
2. Wroth
3. Gerald D. Hart
4. Trichoepithelioma

۵. برای اطلاع بیشتر از بیماری نک:

<http://ghr.nlm.nih.gov/condition/multiple-familial-trichoepithelioma>

۶. راث و گاردنر در کتاب خود این سکه‌ها را متعلق به ارد اول می‌دانند (wroth, 1903: Lxxvi, 72; (Gardner, 1903: 40).

7. Alberto Simonetta

۸. این پادشاه را بعضی اردوان دوم و بعضی دیگر اردوان سوم می‌نامند.

۹. در کتاب تاریخ سکه از قدیم‌ترین ازمه تا دوره ساسانیان نوشته ملکزاده بیانی (ص ۱۱۹-۱۲۱) با عنوان بلاش چهارم آمده است.

۱۰. بودیستوه (bodhisatva) به معنی «آنکه جوهرش خرد و دانایی است»، بر موجوداتی اساطیری اطلاق می‌شود که از جسم نورانی بوداها بهره گرفته و در بهشت برین جای دارند. انسان باید این موجودات را ستایش کند و برای رسیدن به نیروانا از ایشان پیروی کند» (شایگان، ۲۵۳۶ج: ۱، ۱۷۵).

کتابنامه

- بروسیوس، ماریا. (۱۳۸۵). *ایران باستان*. ترجمه عیسی عبدی. تهران: نشر ماهی.
- بیانی، ملکزاده. (۱۳۷۴). *تاریخ سکه از قدیم‌ترین ازمه تا دوره ساسانیان*. ج ۱ و ۲. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- سرفراز، علی اکبر و فریدون آورزمانی. (۱۳۸۹). سکه‌های ایران از آغاز تا دوران زنده. ج ۸. تهران: انتشارات سمت.
- سلوود، دیوید. (۱۳۸۳). «سکه‌های پارتی». در *تاریخ ایران کمبریج از سلوکیان تا فروپاشی دولت ساسانیان* (ج ۳ - قسمت اول). ترجمه حسن انوشه. تهران: انتشارات امیر کبیر. ص ۳۸۱-۴۰۰.
- شایگان، داریوش. (۲۵۳۶). ادیان و مکتب‌های فلسفی هند. جلد ۱ و ۲. تهران: انتشارات امیر کبیر.
- کالج، مالکوم. (۱۳۸۰). *اشکانیان*. ترجمه مسعود رجب‌نیا. تهران: انتشارات هیرمند.
- ورستاندیک، آندره. (۱۳۸۶). *تاریخ امپراتوری اشکانیان*. ترجمه محمود بهفروزی. تهران: انتشارات جامی.
- ولسکی، یوزف. (۱۳۸۳). *شاهنشاهی اشکانی*. ترجمه مرتضی ثاقب‌فر. تهران: انتشارات ققنوس.

Emmerick, R. E. (1990). "Buddhism". in *Encyclopaedia Iranica*, Vol.IV, Fasc 5, pp. 494-496.

Gardner, P. (1877). *The Coinage of Parthia*. London: Numismata Orientalia

Grünwedel, A. (1920). *Buddhistische kunst in Indien*. Berlin und Leipzig.

Hart, J. D. (1966). "Trichoepithelioma and the King of Ancient Parthia". in *Men and book*, vol.94, pp. 547-549. Toronto.

Kent, R. G. (1953). *Old Persian*. New Haven: American Oriental Society.

Wroth, W. (1903). *Catalogue of Greek Coins in the British Museum*. London: Parthia.

تارنماها

[http:// www.ncbi.nlm.nih.gov/pmc/articles/PMC1936547/](http://www.ncbi.nlm.nih.gov/pmc/articles/PMC1936547/), 20/7/2013
[http:// www.dermis.net/dermisroot/en/36985/image.htm](http://www.dermis.net/dermisroot/en/36985/image.htm), 20/7/2013
[http:// www.coinproject.com/search_emperor.php](http://www.coinproject.com/search_emperor.php), 19/8/2013
<http://www.parthia.com>, 20/7/2013
<http://collections.vam.ac.uk/item/O24838/head-of-a-bodhisattva-sculpture-unknown>; 19/8/2013
<http://www.grifterrec.com/coins/parthia/> 20/7/2013

